دقّت در ترجمهٔ قرآن کریم

مصطفی حسینی طباطبائی



مسلمانان از روزگار گذشته تا کنون، دربارهٔ آیات قرآن و نکات آن، گفت و گوهای بسیاری داشته اند و چه بسا دقت در یک یا چند نکتهٔ قرآنی، مایهٔ پیدایش مذهب کلامی ویژه ای در میان ایشان شده است. فقهای اسلامی نیز برای اثبات آراء خود گاهی به نکات باریکی توجه کرده‌اند که با نگاه سطحی به قرآن، هیچ گاه آن نکته ها به ذهن نمی‌آمده است. مثلاً به یاد دارم که برخی از فقها در مبحث «**رضاع**»، در اثبات این مطلب که کودک باید به اندازه ای از شیر دایه بنوشد که پیکرش از آن پرورده شود تا احکام رضاع در طرفین جاری گردد، به این تعبیر قرآن که می فرماید: **امّهاتکم الأتی ارضعنکم** (نساء/۴/۲۳) استدلال کرده اند و گفته اند که در این تعبیر، از مادرانی که به کودکان شیر داده اند سخن رفته است، نه از زنانی که به هر صورت، شیری به طفل خورانده اند! بنابراین برای اثبات حکم رضاع، لازم است زنی که به کودک شیر می دهد در حقّ او مادری کند و این وصف تحقّق نمی یابد تا آن که کودک مدتی بالمباشره از پستان آن زن بنوشد نه آن که (به قول دسته ای دیگر از فقیهان) به محض آن که چند قطره از شیر وی را (هرچند از ظرفی) در دهان کودک بریزند، احکام رضاع جریان پیدا کند!

در این صورت ملاحظه می‌شود که احکام رضاع، با عواطف مادرانه و انتقال آن ها

از دایه به کودک نیز رابطه پیدا می کند و تنها موکول به انتقال شیر از دایه به طفل نمی شود که کسی ادعا کند با انتقال خون، از زنی به بدن کودک، نیز حرمت زناشویی میان آن دو و دیگر احکام رضاع تحقق پیدا می کند!

قرآن ارجمند که تا این اندازه در فهم آن دقت شده (و بیش از این ها باید بشود) حقاً روا نیست که با تسامح و سهل انگاری ترجمه گردد، این کار اگر دربارهٔ رمان ها و قصه ها روا باشد، بی شک در حقّ قرآن عظیم روا نیست.

از میان ترجمه های قرآن که اخیراً انتشار یافته، ترجمهٔ جناب آقای **کاظم پورجوادی** درعین آن که امتیازاتی دارد، متأسفانه دچار اغلاط و مسامحات چشمگیری شده است. هرچند ترجمهٔ مذکور درعدم دقت، منحصر به فرد نیست، ولی چون تاکنون به طور مستقل نقادی نشده، لازم است شمّه ای از خطاهای آن ذکر شود تا إن شاءاللّه تعالی در چاپ های آینده اصلاح گردد و روبه کمال رود.

۱. دراین ترجمه، گاهی برگردان آیه ای به فارسی، فراموش شده است، چنان که جای ترجمهٔ: **والیوم الموعود**، در سورهٔ شریفهٔ بروج، خالی است!

۲. پاره ای از ترجمه ها، معادل با الفاظ آیات نیست. مثلاً در ترجمهٔ **فکلوه هنیئاً مریئاً** (نساء/۴/۴) آمده: «بگیرید! که حلال و گواراست» ظاهراً مترجم محترم، **فخذوه** را به جای **فکلوه** دیده و ترجمه کرده اند.

۳. در ترجمهٔ **یخرج من بین الصّلب والتّرائب** (طارق/۸۶/۷) آمده است: «از پشت و سینه بیرون می آید» که در این جا «**من بین**» را نادیده گرفته و ترجمه نکرده اند.

۴. در ترجمهٔ **ولتکملوا العدّة** (بقره/۲/۱۸۵) آورده اند: «تا شماره های روزه کامل شود»، که باید ترجمه می کردند: «تا شماره های روزه را کامل کنید».

۵. در ترجمهٔ **والّذی خبث لایخرج إلاّ نکدا** (اعراف/۷/۵۸) آمده است: «و زمین ناپاک جز اندک و بی فایده بیرون نمی آورد»، که لازم است به صورت: «و از زمین ناپاک جز اندک بیرون نمی آید» ترجمه گردد، زیرا «**یَخْرُجُ**» فعل لازم است و با «**یُخْرِجُ**» نباید اشتباه شود.

۶. در ترجمهٔ **ومن الّذین قالوا إنّا نصاری أخذنا میثاقهم** (مائده/۵/۱۴) آمده است: «از داعیان نصرانیّت پیمان گرفتیم»، که در این جا: «از مدّعیان نصرانیّت پیمانشان را گرفتیم» مناسب تر است زیرا «داعی» به معنای دعوتگر یا مبلّغ به کار می رود.

۷. در ترجمهٔ **والله أعلم بإيمانكم** (نساء/۴/۲۵) نوشته اند: «خدا به ایمانتان واقف است»، که: «داناتر است» صحیح است.

۸. در ترجمهٔ **فلایکن فی صدرک حرج منه** (اعراف/۷/۲) آمده است: «دل به آن قوی دار» که این عبارت، ترجمهٔ آیه نیست.

۹. در ترجمهٔ **خرّ راکعاً** (ص/۳۸/۲۴) نوشته اند: «سر خم کرد و به رو درافتاد». **راکعاً** در این جا حال است از ضمیر مستتر در «**خرّ**» و معنای آیهٔ شریفه اینست که: «با حالت فروتنی به زمین افتاد». پس رکوع در این جا به معنای خضوع آمده و معنای سر خم کردن را ندارد.

۱۰. در ترجمهٔ **ولاأدریکم به** (یونس/۱۰/۱۶) آورده اند: «و نه از آن آگاهتان می کردم» که درست نیست و باید به صورت: «و نه (خدا) از آن آگاهتان کرده بود» ترجمه شود زیرا کلمهٔ: **ادریکم**، صیغهٔ مفرد مذکر غایب از فعل ماضی است که با ضمیر **(کُم)** قرین شده و اگر صیغهٔ متکلم وحده از مضارع بود، به صورت: **أدرِیکُم** می آمد.

۱۱. در ترجمهٔ **سلام علی اِل یاسین** (صافات/۳۷/۱۳۰) آورده اند: «سلام بر آل یاسین» که این ترجمه درست نیست، به ویژه که پس از آن می فرماید: **إنّه من عبادنا المؤمنین**، (او از بندگان مؤمن ما بود) و نفرموده است: **إنهم من عبادنا المؤمنین** که با **آل یاسین** منطبق باشد و اِل یاسین که ذکرش در آیه آمده، همان إلیاس پیامبر است، چنان که فرمود: **وإنّ إلیاس لمن المرسلین** (صافات/۳۷/۱۲۳) و توافق إلیاس و ال یاسین مانند سیناء و سینین است که به دو شکل در قرآن کریم به کار رفته اند و هردو، یک چیزند.

۱۲. در ترجمهٔ **لقد رأی من آیات ربّه الکبری** (نجم/۵۳/۱۸) نوشته اند: «او پاره ای از نشانه های بزرگ پروردگارش را به عیان دید» که باید به: «پاره ای از بزرگترین نشانه ها» تبدیل شود.

۱۳. در ترجمهٔ **وإن تسئلوا عنها حین ینزّل القرآن تبد لکم** (مائده/۵/۱۰۱) آورده اند: «و اگر پرسش آن را به هنگام نزول قرآن واگذارید، قرآن برای شما بیان می کند». این سخن، به تفسیر نزدیک تر است تا به ترجمه!

۱۴. در ترجمهٔ **فاصلحوا بین أخویکم** (حجرات/۴۹/۱۰) نوشته اند: «میان برادرانتان صلح برقرار کنید»، که لازم است به «میان دو برادر خود صلح برقرار کنید» تبدیل شود، زیرا **أخویکم**، اسم مثنّی است که در حال اضافه، نون آن حذف شده است؛ و جمع نیست.

۱۵ . در ترجمهٔ **سواء علیهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم** (بقره/۲/۶) نوشته اند: «برحذر داشتن و نداشتن برای کافران یکسان است». در این عبارت، فعل مخاطب را به صورت مصدر (برحذر داشتن) ترجمه کرده اند، ولی در ترجمهٔ آیهٔ دهم از سورهٔ **یس** که نیز می فرماید: **وسواء علیهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم** نوشته اند: «هشدار دادن و ندادن تو، برای آن ها یکسان است» کدام یک را باید صحیح شمرد؟

۱۶ . در ترجمهٔ **اولی الأمر**، در یکجا (نساء/۴/۵۹) **اولوالأمر** را آوردند و در جای دیگر (نساء/۴/۸۳) **پیشوایان** را نهاده اند. دلیل این تفاوت چیست؟

۱۷ . نام سورهٔ کریمهٔ «**النّصر**» را «یاری دهنده» ترجمه کرده اند که صحیح آن «یاری کردن» به صورت مصدری است نه اسم فاعل؛ و از ترجمهٔ نام پاره ای دیگراز سوره ها (مانند سورهٔ فصّلت) خودداری کرده اند، چرا؟!

۱۸ . **ألم تر إلی الّذین..** (نساء/۴/۶۰) را به صورت: «آیا نبینی کسانی را...» ترجمه کرده اند که «آیا ندیدی کسانی را...» باید ترجمه کرد.

۱۹ . در ترجمهٔ **انظرنا** (نساء/۴/۴۶) نوشته اند: «ما را مهلت ده یا در کار ما نظر کن» که احتمال اول صحیح نیست، زیرا معادل با **أنظِرنا** می باشد نه **أنظُرْنا**!

۲۰ . در ترجمهٔ **الّذین یدعون من دون اللّه** (انعام/۶/۱۰۸) نوشته اند: «آن ها که غیر خدا را می خوانند»، ولی در ترجمهٔ **الّذین یدعون من دونه** (مؤمن/۴۰/۲۰) آورده اند: «کسانی که غیر او خوانده می شوند»! دلیل این تفاوت کدام است؟!

این بیست مورد، به هیچ وجه تمام لغزش ها و مسامحه های مترجم محترم را نشان نمی دهد و خطاهای ترجمهٔ ایشان بیش از این هاست. امیدوارم با اصلاح همهٔ کاستی های ترجمهٔ آقای پورجوادی، اثر روان و زیبای ایشان بیش از پیش مورد استفاده قرارگیرد. عصمنا اللّه تعالی من الزّلل کلّها.

